

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پایان و تهنیت
و آمدن سال

کردآوری و بار خوار:

سیرت نبوی
علی ربی

سروشنامه: اویسی، حسین، ۱۳۳۹.

عنوان و نام پدید آور: تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی / حسین اویسی، علی رجیبی.

مشخصات نشر: قزوین: حدیث امروز، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص: مصور، نمودار، نقشه.

شابک: ۳۰۰۰۰ ریال ۵-۹۲-۵۷۶۵-۹۶۴-۹۷۸

موضوع: تمدن اسلامی

موضوع: فرهنگ اسلامی

موضوع: تمدن اسلامی -- تاثیر ایران

موضوع: تمدن ایرانی -- تاثیر اسلام

موضوع: تمدن عرب -- تاثیر اسلام

شناسه افزوده: رجیبی، علی، ۱۳۴۸-

رده بندی کنگره: DS۶۲/۳۵الف ۸ ت ۲ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۹۰۹/۰۹۷۶۷۱

شماره کتابشناسی ملی: ۷۷۳۱۶۴۲

حدیث
امروز

نام: فرهنگ و تمدن اسلامی

مؤلفان: حسین اویسی، علی رجیبی

طراح جلد: حسن یوسفی

خوشنویس عنوان: محمد حسن ملاحاج آقایی

گنبد روی جلد: کاشی کاری مسجد جامع عتیق قزوین

لیتوگرافی و چاپ و صحافی: چاپ المهدی

تاریخ نشر: (چاپ اول) ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان دانشگاه بالاتر از کانال، مجتمع صدرا طبقه ۲ واحد ۱۸

مؤسسه انتشاراتی مطبوعاتی حدیث امروز

فروشگاه: ضلع شمالی پارک ملت شماره ۱۲ تلفکس ۳۳۵۱۱۰۰

تلفن دفتر فروش ۰۹۱۲۷۸۱۲۶۸۵

شابک: ۵-۹۲-۵۷۶۵-۹۶۴-۹۷۸

فهرست

صفحه

فهرست مطالب

بخش اول

کلیات	۵
خود آزمایی و اندیشه و پژوهش	۱۴

بخش دوم

زمینه‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی	۱۵
خود آزمایی و اندیشه و پژوهش	۳۰

بخش سوم

شکوفایی علوم در تمدن اسلامی و تاثیر آن بر تمدن غربی	۳۱
خود آزمایی و اندیشه و پژوهش	۶۵

بخش چهارم

هنرهای اسلامی و نفوذ آن در اروپا	۶۷
خود آزمایی و اندیشه و پژوهش	۷۶

بخش پنجم

سازمان‌های اداری و اجتماعی تمدن اسلامی	۷۷
خود آزمایی و اندیشه و پژوهش	۸۰

بخش ششم

علل انحطاط و رکود تمدن اسلامی	۸۱
خود آزمایی و اندیشه و پژوهش	۱۰۲

بخش هفتم

خیزش؛ اقتدار دوباره جهان اسلام	۱۰۳
خود آزمایی و اندیشه و پژوهش	۱۳۱

بخش هشتم

۱۳۳..... علل متأخر رکود فرهنگ و تمدن اسلامی

۱۴۸..... خود آزمایی و اندیشه و پژوهش

بخش نهم

۱۴۹..... ظرفیت های موجود در جهان اسلام

۱۵۸..... خود آزمایی و اندیشه و پژوهش

بخش دهم

۱۵۹..... بی نظری اسلامی

۱۸۰..... خود آزمایی و اندیشه و پژوهش

www.ketab.ir

بخش اول

الف. هدف از هویت‌یابی فرهنگی

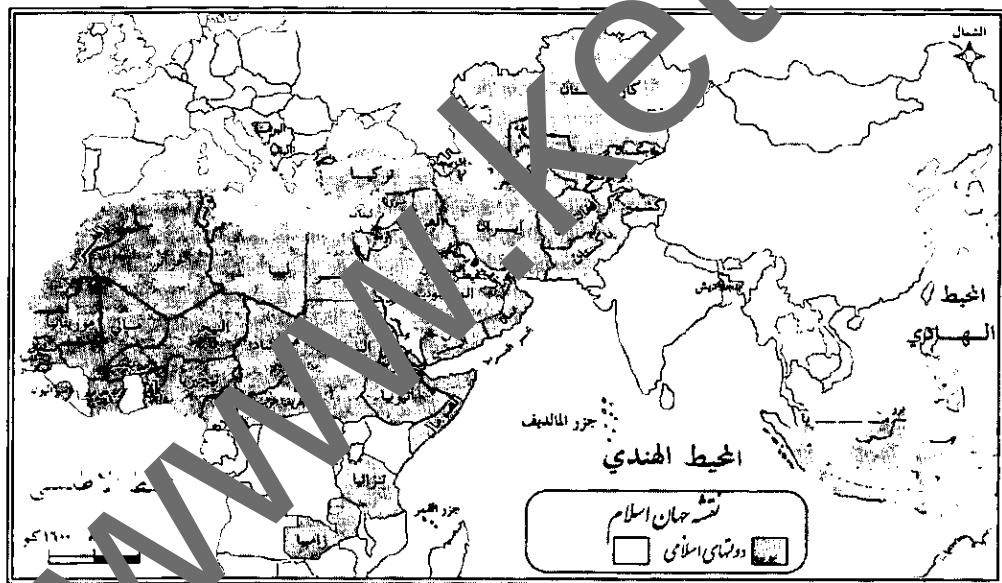
یکی از دغدغه‌های هر ایرانی، به‌عنوان یک مسلمان، شناخت هویت فرهنگی و تمدنی اسلام و ایران است. زیرا به امت و ملت ما و فرهنگ و تمدنش با سوء نیت بیگانگان و رخنه خودی باطنی عظیمی شده است.

از یک سو بیگانگان فضایل مسلمین را انکار و از سوی دیگر مسلمانان در ثبوت و ضبط و عرضه دستاوردهای علمی و فرهنگی خویش تسامح کردند و در نتیجه، این باور غلط جهانی حتی در بین مسلمانان و ایرانیان به‌وجود آمد که فرنگیان تافته جدا بافته در خلقت‌اند و از هوش و استعدادی استثنایی برخوردارند که دیگر ملل، از جمله مسلمانان از آن بی‌بهره‌اند. از یونان قدیم تا رنسانس، آنان همواره پیشتاز و مولد، و شرقیان و مسلمانان دنباله‌رو و مصرف‌کننده بوده‌اند.

نتیجه عملی چنین باور فراگیری که از حدود دو سده پیش تا کنون تبلیغ می‌شود این بوده‌است که سعی بیهوده نکنیم و سرنوشت محکوم شود را به‌عنوان انسان‌های درجه چندم با همه تبعات سیاسی و فرهنگی آن بپذیریم. برای هر مسلمان، غمی جانکاه‌تر از این نیست که اعتبار عقیدتی و قومی‌اش این چنین لگدکوب شود. از همان زمانی که سرزمین‌های اسلامی و شرقی مورد هجوم نظامی و فرهنگی غرب قرار گرفت، زرگانی برخاستند و بانگ بیداری مشرق و مسلمانان را سردادند و در برابر برتری‌طلبی غربی فرهنگی و تمدنی «فرنگیان» بر طبل بیدارباش «مشرق‌زمین» و «مسلمانان» کوفتند. مهم‌ترین متاثران این حرکت تاریخی بازگرداندن تدریجی خودباوری به جهان اسلام شده‌است؛ کسانی که امروز با وجود توسعه و تعمیق تبلیغات دیداری و شنیداری، اثر کمتری در ملت‌های مسلمان و شرق دارد. لیکن این مصون‌سازی، بیش از این که علمی باشد، سیاسی است. بنابراین، باید از زمینه‌سازی بیدارگران پیشتاز سیاسی و فرهنگی استفاده کرد و زمینه‌های بازگرداندن خودباوری علمی و معرفتی نیز فراهم شود تا از رهیافت شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی به خودباوری فرهنگی و سیاسی دست‌یابیم.

ب. مقدمه

از حدود سال ۶۱۰ میلادی دین اسلام با دعوت حضرت محمد (ص) در مکه پایه‌گذاری شد. پیامبر اسلام (ص) در مدینه حکومت اسلامی را بنیان نهاد. پس از تشکیل حکومت اسلامی، دین اسلام رفته‌رفته در شبه‌جزیره عربستان گسترش یافت و دامنه آن از شرق و غرب نیز گزشت چنان‌که در آغاز سده دوم هجری این دین از خاور تا مرز چین، از باختر تا مراکش در غرب آفریقا، از شمال تا جنوب سبیری در روسیه و از جنوب نیز تا جنوب صحرای آفریقا گسترده شد. در این حوزه عظیم و سرزمین‌های گسترده بود که علوم و معارف اسلامی پدید آمد و سپس با طریق آرا و افکار مردمانی که در این مکان‌ها زندگی می‌کردند علوم و معارف اسلام به جهان معرفی گردید. در سده‌های بعد این علوم اسلامی در شاخه‌های متعددی هم‌چون ادبیات، عرفان، تصوف، دریانوردی و جهانگردی، و تقریباً در همه شاخه‌های علوم، از جمله ساینس، پزشکی، ریاضیات، فیزیک و مکانیک و جغرافیا منشأ اثر شد.



تعاریف

برای بحث و بررسی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، از جنبه‌های مختلف، لازم است مفاهیم اساسی در این زمینه را بشناسیم.

۱. مفهوم تاریخ: تدوین تاریخ، ترسیم سرگذشت حیات و فرهنگ یک قوم و ملت است. در این رهگذر، زمینه‌های پیدایش، بستر حرکت، عوامل و موانع آن، پدیده‌ها و

حوادث، علل تعالی یا انحطاط، تأثیر و تأثرها، چگونگی روابط و سایر شئون و مظاهر زندگی، فرهنگ و سرنوشت آن ملت و قوم توسط یک مؤرخ به تصویر کشیده شده و در معرض اندیشه، کنکاش و مطالعه انسان‌ها و به‌ویژه فرزندان و اندیشه‌مندان قرار می‌گیرد. این کار از نظر علمی ارزشمند، آگاهی‌بخش و خدمت به علم و فرهنگ و اقوام و ملل به‌خصوص محققان و دانش‌پژوهان و اصحاب اندیشه و اهل مطالعه است.^۱

۲. مفهوم فرهنگ: واژه پُر مایه فرهنگ یکی از کهن‌ترین واژگان ادب پارسی است. در پارسی هخامنشی و ادبیات اوستایی، فرهنگ از دو جزء «فرا» و «هنگ» تشکیل شده که فرا به معنی بالا و بیرون و هنگ نیز از ریشه اوستایی تنگ به معنای کشیدن گرفته شده است. بدین ترتیب واژه ترکیبی به معنای بیرون کشیدن و یا بالا کشیدن استعدادها و لیاقت‌های ذاتی نهفته در نهاد فرد و جامعه است.^۲ فرهنگ (culture)، در ادبیات لاتینی به مفهوم پرورش نفس انسان در زیاده‌یونان باستان فقط مفهوم پرورش از آن استفاده می‌شود.

پیچیدگی واژه فرهنگ و موضوعی آن موجب شده تا به‌امروز تعریف جامعی که کاملاً بیانگر بارمعنایی و مفهومی فرهنگ باشد بیان نشده باشد. فرهنگ مفهوم بسیار عالی، جامع و همه‌گیری است که بشرهمواره بدان نیاز داریم. در آن‌چه در پیرامون انسان می‌گذرد و زندگی او را احاطه کرده به نوعی با فرهنگ در پیوند بوده و اساساً ارکان تمدن هر جامعه‌ای بر بنیاد فرهنگ آن استوار است. بنابراین فرهنگ مجموعه‌ای از سنت‌ها، باورها، آداب و اخلاق فردی یا خانوادگی افراد است که پایبندی این افراد به این باورها، آداب و اخلاق باعث تمایز آنان از دیگر اقوام و قبایل می‌شود. به عبارت دیگر، فرهنگ مجموعه باورهای فردی یا اجتماعی است، که این باورها ذهنی هستند، پس فرهنگ یک خصیصه ذهنی است و جنبه عینی ندارد. بدین ترتیب فرهنگ فصلی جداگر انسان از حیوان است که از راه طبیعت درونی و بیرون چیره‌گشته و با بیرون آمدن از این طبیعت گام به گام مرحله‌های تکامل را طی می‌کند. پست سرگذاشته است. فرهنگ را از جهتی به فرهنگ مادی و معنوی بخش‌بندی کرده‌اند و فرهنگ مادی شامل همه وسایل مادی و آن‌چه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته می‌شود و شیوه‌ها و فرایندهای

۱. حسین اویسی و علی حیدری و علی رجبی، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قزوین، حدیث امروز، ۱۳۹۰، ص ۱۱.

۲. فاطمه جان احمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۳۵.

ساخت‌سازان‌ها می‌دانند. فرهنگ معنوی را شامل ارزش‌ها، ایده‌ها و باورها، اندیشه‌ها و فن‌ها، یعنی آداب و سنت‌ها، علوم و فلسفه و ادبیات و هنر و همه فراورده‌های ذهنی انسان می‌دانند.

۳. مفهوم تمدن: تمدن در عربی از «مدن» اخذ شده که معنای آن شهرنشین شدن اقامت کردن در شهر است^۱ و در زبان‌های اروپایی واژه civilization را به این مفهوم اطلاق می‌کنند که آن‌هم به معنای استقرار یافتن است و در تعریف اجتماعی، همان شهرنشینی است. اندیشمندان بسیاری سعی کرده‌اند، با استفاده از دانسته‌ها و پژوهش‌های خود از زوایای خاص تمدن را تعریف کنند. از دید این افراد، تمدن پیوندی نزدیک با دیگر مفاهیم، از جمله هویت فرهنگی، ادبیات، گفتمانی اجتماعی، سیر تکامل جامعه و زندگی اجتماعی دارد. یکی از مهم‌ترین تعاریف تمدن، که به‌ویژه یک اندیشمند مسلمان آن را ارائه کرده، تعریف ابن‌خلدون است. تمدن را اجتماعی شدن انسان می‌داند. از نظر ابن‌خلدون زندگی انسان‌ها در کنار هم و احاطه آن‌ها به اصول زندگی اجتماعی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن است.

از نظر ساموئل هانتینگتون تمدن‌ها را به سه گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به‌شمار می‌آید: هنر، لوکاس^۲ تمدن را پدیده‌ای به‌هم تنیده شده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را دربرمی‌گیرد.^۳ آرنولد توین‌بی تمدن را حاصل نبوغ اقلیت نوآور، یعنی طبقه ممتازی در جامعه که از هوش، ابتکار و نوآوری برخوردارند، در سایه تحولات و سیر تکامل جامعه می‌داند.^۴ آلفرد وبر نیز تمدن را محصول دانش و فناوری می‌داند. بالاخره ویل دورانت بر آن است که وقتی فرهنگ عمومی به میزانی از رشد برسد، فکر کشاورزی تولید می‌شود.^۵

دانشمندان شرقی نظیر ابن‌خلدون تمدن را حاصل اجتماع انسان می‌دانند. همچنین دانشمند دیگری تمدن را مجموعه‌ای از عوامل اخلاقی و مادی می‌داند که به جامعه فرصت می‌دهد، برای هر فردی از افراد خود، در هر مرحله‌ای از مراحل زندگی، از فردگی تا پیری، همکاری لازم را برای رشد به‌عمل آورد.

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۱۰۳.

۲. ساموئل هانتینگتون، نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران، ۱۳۷۴، ص ۴۷.

۳. هنری لوکاس، تاریخ تمدن، ترجمه ذرنگ، تهران، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۶۷.

۴. منیر البعلبکی، موسوعة المورد، ج ۳، ص ۲۸.

۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن، مشرق زمین گهواره تمدن، تهران، علمی و فرهنگی، ج ۱، ص ۵.